

سَلَامٌ عَلَيْهَا

نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال

www.noorfatemah.org



وصایای نورانی چهارده معصوم (ع)

گزینش سر فصل امام صادق علیه السلام

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وصایای نورانی چهارده معصوم (گزینش سرفصل امام صادق علیه السلام)

نویسنده:

فرشاد مومنی

ناشر چاپی:

منشور وحی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	وصایای نورانی چهارده معصوم (گزینش سرفصل امام صادق علیه السلام)
۶	مشخصات کتاب
۶	ولادت امام صادق علیه السلام
۶	القاب امام صادق علیه السلام
۶	مادر امام صادق علیه السلام
۷	دوران زندگی امام
۷	اوضاع سیاسی زمان امام صادق علیه السلام
۸	دانشگاه بزرگ جعفری
۸	شهادت امام
۹	وصایای امام صادق علیه السلام
۱۰	روایتی از یاران امام
۱۰	جانشینی امام صادق علیه السلام
۱۱	پاورقی

وصایای نورانی چهارده معصوم (گزینش سر فصل امام صادق علیه السلام)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: وصایای نورانی چهارده معصوم علیهم السلام / تالیف فرشاد مومنی. مشخصات نشر: قم: منشور وحی، ۱۳۸۶. مشخصات ظاهری: ۲۰۰ ص. شابک: ۱۸۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۱۴-۴۵-۵: یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Farshad Momeni. the Precepts of Fourteen Maasoom. یادداشت: عنوان روی جلد: وصایای چهارده معصوم علیهم السلام. یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس. عنوان روی جلد: وصایای چهارده معصوم علیهم السلام. موضوع: چهارده معصوم -- وصیتنامه‌ها موضوع: چهارده معصوم -- احادیث موضوع: چهارده معصوم -- اندرزنامه‌ها رده بندی کنگره: BP۳۶/م۹۲۷ و ۱۳۸۶ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۴۸۱۴

ولادت امام صادق علیه السلام

امام صادق علیه السلام در هفدم ربیع الاول سال ۸۳ هجری قمری در هنگام طلوع فجر مصادف با ولادت با سعادت ختمی مرتبت در مدینه منوره به دنیا آمد. پدر بزرگوارشان حضرت امام باقر علیه السلام و مادر گرامی ایشان فاطمه ملقب به ام فروه می باشد. نام مبارک حضرت، جعفر و کنیه ایشان ابو عبدالله، ابواسماعیل، ابوموسی است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خصوص انتخاب نام و لقب امام ششم فرموده است: وقتی که فرزندم جعفر متولد شد نام او را صادق بگذارید زیرا فرزند پنجمش جعفر است و ادعای امامت می کند و او در نظر خداوند جعفر کذاب است.

القاب امام صادق علیه السلام

القاب امام صادق علیه السلام عبارتند از صادق، مصدق، محقق، کاشف، الحقایق، فاضل، طاهر، قائم، منجی، صابر.

مادر امام صادق علیه السلام

مادر امام علیه السلام زنی فاضله و دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر است. قاسم بن محمد خود از ثقات و معتمدان امام علی بن الحسین علیه السلام از فقهای شیعه [صفحه ۱۳۰] مذهب مدینه بوده او دختری فهمیده و دانا داشت که او را فاطمه نامیده و گاهی قریبه می خواندند و کنیه او ام فروه بود. تاریخ او را زنی فاضله، مؤمنه، عفیفه و با عصمت و شرافت معرفی می کند و امام صادق علیه السلام در شأن مادرش فرموده: مادرم از کسانی بود که به واقع مؤمنه و در طریق تقوا بود، زنی بود نیکوکار و خدا نیکوکاران را دوست می دارد. کانت امی ممن آمنت و اتقت، و احسنت، والله یحب المحسنین. امام باقر علیه السلام با تعبیرات زیبایی از او یاد می کرد و امام صادق علیه السلام نیز برای او حرمت فوق العاده ای قائل بود، او در بین زنان مدینه حرمت اجتماعی بالایی داشت و به آموزش و هدایت زنان و حل و رفع مشکلات دینی آنها می پرداخت. [۱]. شخصیت علمی امام صادق علیه السلام در دوره امامت امام صادق علیه السلام مسلمانان بیش از پیش به علم و دانش روی آوردند و در بیشتر شهرهای قلمرو اسلام به ویژه در مدینه، مکه، کوفه، بصره و مجالس درس و مناظره های علمی دایر و از رونق خاصی برخوردار گردید. در این زمان با استفاده از فرصت به دست آمده امام صادق علیه السلام توانست نهضت علمی فرهنگی پدرش امام باقر علیه السلام را ادامه داده و علوم و معارف اهل بیت را بیان کرده در همه جا منتشر کند. سفرهای اجباری و اختیاری امام علیه السلام به عراق و به شهرهای حیره، هاشمیه و کوفه و برخورد با

اربابان دیگر [صفحه ۱۳۱] مذاهب فقهی و کلامی نقش به سزایی در معرفی علوم اهل بیت و گسترش آن در جامعه داشت. در این شهرها گروه‌های مختلف برای فراگیری دانش نزد آن حضرت می‌آمدند و از دریای دانش او بهره می‌بردند، برخورد وی با گروه‌های مختلف مردم سبب شد که آوازه شهرتش در دانش و بینش دینی، علم و تقوی، سخاوت و جود و کرم و... در تمام قلمرو اسلام طنین انداز شود و مردم از هر سو برای استفاده از دانش بیکران وی رو سوی وی کنند. آن حضرت با استفاده از این فرصت به بازسازی و نوسازی فرهنگ ناب اسلام پرداخت و شیفتگان مکتب حق از اطراف و اکناف، از بصره، کوفه، واسط، یمن و نقاط مختلف حجاز به مرکز اسلام یعنی مدینه، سرازیر شدند چون پروانگانی دلباخته به گرد شمع وجود امام صادق علیه‌السلام تجمع کردند. امام صادق علیه‌السلام هر یک از شاگردان خود را در رشته‌هایی که با ذوق و قریحه او سازگار بود، تشویق و تعلیم می‌نمود و در نتیجه، هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، فقه و کلام، تخصص پیدا می‌کردند. در دانشگاهی که امام علیه‌السلام به وجود آورده بود شاگردان بزرگ و برجسته‌ای همچون هشام بن حکم، محمد بن مسلم، ابان بن تغلب، هشام بن سالم، مومن الطاق، مفصل بن عمر، جابر بن حیان، و... تربیت کرد که هر یک از آنها شخصیت‌های بزرگ علمی و چهره‌های درخشانی بودند که خدمات شایانی انجام دادند. دانشمندان علم حدیث شمار کسانی را که مورد اعتماد بوده‌اند، - راویان ثقه - و از آن حضرت حدیث نقل کرده‌اند را تا چهار هزار نفر نوشته‌اند. [صفحه ۱۳۲] شاگردان دانشگاه امام منحصر به شیعیان نبوده بلکه پیروان اهل تسنن نیز از مکتب آن حضرت برخوردار می‌شدند. بزرگان اهل سنت چون مالی بن انس، ابوحنیفه، سفیان ثوری، سفیان بن عیینه، ابن جریج، روح ابن قاسم و... ریزه‌خوار خوان دانش بی‌کران او بودند. ابوحنیفه که دو سال شاگرد امام علیه‌السلام بود این دوره را پایه علوم و دانش خود معرفی کرده می‌گوید: اگر آن دو سال نبود نعمان از بین رفته بود.

دوران زندگی امام

در یک دسته‌بندی، زندگانی امام جعفر صادق علیه‌السلام را می‌توان به سه دسته کلی تقسیم نمود: الف - زندگانی امام در دوره امام سجاد و امام باقر علیه‌السلام که تقریباً نیمی از عمر حضرت را به خود اختصاص می‌دهد. در این دوره (۸۳ - ۱۱۴) امام صادق علیه‌السلام از علم و تقوی و کمال و فضیلت آنان در حد کافی بهره‌مند شد. ب) قسمت دوم زندگی امام جعفر صادق علیه‌السلام از سال ۱۱۴ هجری تا ۱۴۰ هجری می‌باشد. در این دوره امام از فرصت مناسبی که به وجود آمده، استفاده نمود و مکتب جعفری را به تکامل رساند. در این مدت ۴۰۰۰ دانشمند تحویل جامعه داد و علوم و فنون بسیاری را که جامعه آن روز تشنه آن بود، به جامعه اسلامی ارزانی داشت. ج) هشت سال آخر امام علیه‌السلام قسمت سوم زندگی امام را تشکیل می‌دهد در این دوره امام بسیار تحت فشار و اختناق حکومت منصور عباسی قرار داشت. در این دوره امام دائماً تحت نظر بود و مکتب جعفری عملاً تعطیل [صفحه ۱۳۳] گردید. [۲].

اوضاع سیاسی زمان امام صادق علیه‌السلام

در میان امامان، عصر امام صادق علیه‌السلام منحصر به فرد بوده و شرایط موجود در آن زمان در زمان امامت هیچ یک از امامان وجود نداشته است. آن دوره دوره‌ی تزلزل و ضعف حکومت بنی‌امیه و فزونی قدرت بنی‌عباس بود و این دو گروه مدتی در حال کشمکش و مبارزه با یکدیگر بودند از زمان هشام بن عبدالملک تبلیغات و مبارزات سیاسی عباسیان آغاز گردید و در سال صد و بیست و نه هجری قمری وارد مرحله مبارزه مسلحانه و عملیات نظامی گردید و سرانجام در سال ۱۳۲ هجری قمری به پیروزی رسید. از آنجا که بنی‌امیه در این مدت گرفتار مشکلات سیاسی فراوانی بودند، لذا فرصت ایجاد فشار و اختناق نسبت به امام و شیعیان را (آن گونه که در زمان امام سجاد علیه‌السلام بود) نداشتند. عباسیان نیز چون پیش از دستیابی به قدرت در پوشش شعار طرفداری از

خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و گرفتن انتقام خون آنان عمل می کردند، فشاری از سوی آنان مطرح نبود. از این رو، این دوران، دوران آرامش و آزادی نسبی امام صادق علیه السلام و شیعیان و فرصت بسیار مناسبی برای بیان حقایق قرآن و احکامی الهی به شمار می رفت. عصر امام صادق علیه السلام عصر برخورد اندیشه ها و پیدایش فرق و مذاهب مختلف نیز بود. در اثر برخورد مسلمین با عقائد و آرای اهل کتاب و نیز دانشمندان یونان، شبهات و اشکالات گوناگونی پدید آمده بود. [صفحه ۱۳۴] در آن زمان فرقه هایی همچون: معتزله، جبریه، مرجئه: غلات، زنادقه، مشبهه، متصوفه، مجسمه، تناسخیه، و امثال اینها پدید آمده بودند که هر کدام عقاید خود را ترویج می کردند. از این گذشته در زمینه هر یک از علوم اسلامی نیز در میان دانشمندان آن علم اختلاف نظر پدید می آمد، مثلاً در علم قرائت قرآن، تفسیر، حدیث، کلام بحثها و مناقشات داغی در می گرفت و هر کس به نحوی نظر می داد و از عقیده ای طرفداری می کرد.

دانشگاه بزرگ جعفری

امام صادق علیه السلام با توجه به این فرصت مناسب، حوزه ی وسیع علمی و دانشگاه بزرگی به وجود آورد و در رشته های مختلف علوم عقلی و نقلی آن روز، شاگردان بزرگ و برجسته ای تربیت نمود که تعداد آنها را بالغ بر چهار هزار نفر نوشته اند. از میان شاگردان آن حضرت گروهی دارای آثار علیم و شاگردان متعددی بودند. هشام بن حکم سی و یک جلد کتاب نوشته و جابر بن حیان نیز بیش از دویست جلد کتاب در زمینه علوم گوناگون به خصوص رشته های عقلی و طبیعی و شیمی تصنیف کرده بود که به همین خاطر، به عنوان پدر علم شیمی مشهور شده است. کتابهای جابر بن حیان به زبانهای گوناگون اروپایی ترجمه گردید و نویسندگان تاریخ علوم همگی از او به بزرگی یاد می کنند. حضرت امام صادق علیه السلام در علوم طبیعی نیز بحثهایی نمودند و رازهای نهفته ای را باز کردند که برای دانشمندان امروز نیز مایه اعجاب است. گواه روشن این امر توحید مفضل است که امام آن را ظرف چهار روز املاء فرمود: و «مفضل بن عمر کوفی» نوشت و به نام کتاب «توحید مفضل» شهرت یافت. در حقیقت و بزرگی این کتاب همین بس که حضرتش به مفضل فرمودند: [صفحه ۱۳۵] برای تو از حکمت آفریدگار در آفرینش جهان و حیوانات و درندگان و حشرات و مرغان و هر جاننداری از انسان و چهارپایان و گیاهان و درختان میوه دار و بی میوه و گیاهان خوردنی و غیر خوردنی بیان خواهم کرد، چنان که عبرت گیرندگان از آن عبرت گیرند و به معرفت مؤمنان افزوده شود و ملحدان و کافران در آن حیران بمانند. فردا به نزد ما بیا... [۵]. البته شاگردان آن بزرگوار منحصر به شیعیان نبودند بلکه از اهل تسنن نیز در محضر درس آن حضرت شرکت می کردند. پیشوایان مشهور اهل سنت، بلاواسطه یا با واسطه، شاگرد امام بوده اند، در رأس این افراد، ابوحنیفه که مؤسس فرقه حنفی است دو سال شاگرد امام بوده است. او این دو سال را به پایه ی علوم و دانش خود معرفی می کند و می گوید: «لو لا-الاستان لهلك نعمان» اگر آن دو سال نبود «نعمان» هلاک می شد. [۶]. در وسعت دانشگاه امام همین مقدار بس که «حسن بن علی بن زیاد و شاء» که از شاگردان امام رضا علیه السلام و از محدثان بزرگ بوده، می گفت: در مسجد کوفه نهصد نفر استاد حدیث مشاهده کردم که همگی از جعفر بن محمد حدیث نقل می کردند. آن عزیز بعضی از شاگردان خود را در رشته ای که با ذوق و قریحه ی آنان سازگار بود، تشویق و تعلیم می نمود، و در نتیجه هر کدام از آنها در یک یا دو رشته از علوم مانند: حدیث، تفسیر، کلام و مانند اینها تخصص پیدا می کردند [۵] [۶]. [صفحه ۱۳۶]

شهادت امام

بنیان گذار مذهب جعفری در سال ۱۴۸ هجری قمری، به وسیله ی منصور دوانقی خلیفه سفاک عباسی مسموم و به شهادت رسید. پیکر مقدس و مطهر امام صادق علیه السلام در قبرستان بقیع در جوار قبر پدر، جد و عموی بزرگوارش، امام حسن مجتبی علیه السلام

به خاک سپرده شد.

وصایای امام صادق علیه السلام

امام علیه السلام در لحظه شهادت وصایای چندی می نمایند که برخی در امر امامت برخی در زمینه مسائل خانوادگی و بخشی در مورد عامه است. امام علیه السلام خطاب به فرزندان خود فرمودند: فلا تموتن الا و انتم مسلمون کوشید که جز مسلمان نمیرید. به کسان و خویشان فرمود: ان شفاعتنا لا تنال مستخفا بالصلاة. شفاعت ما به کسی که نماز را کوچک بشمارد نمی رسد. به خانواده خود وصیت کرد که پس از رحلت ایشان، تا چند سال در موسم حج در منی برای او مراسم عزاداری برپا کنند، همانگونه که ملاحظه فرمودید امام باقر علیه السلام نیز چنین وصیتی فرموده بودند. در واقع وصیت امام صادق علیه السلام ادامه خط مشی پدر بزرگوارشان در اعلام مظلومیت و روشنگری افکار عمومی در قالب نوحه سرایی و برگزاری مراسم عزاداری در مراسم پر شکوه حج بوده. چرا که در موسم حج اقشار مختلف امت اسلامی از مناطق دور و نزدیک [صفحه ۱۳۷] به مکه آمده و پس روشنگری و آشنایی با حقایق خاندان نبوت به عنوان سفیر به دیار خود بازگشته و تبدیل به یکی از مبلغین اهل بیت می گردیدند. همچنین امام صادق علیه السلام دستور دادند برای خویشان و نزدیکان هدیه ای بفرستند، حتی هفتاد دینار برای حسن افطس از خویشان امام علیه السلام و حسن افطس همان کسی است که با خنجر به امام حمله کرده بود. [۷]. امام علیه السلام می فرمود می خواهد آیه قرآن را در مورد صله رحم اجرا کند (سوره ی رعد ۲۱). درباره ی امام، پس از خود، امام کاظم علیه السلام را برای چندمین بار منصوب کرد که او در آن هنگام بر اساس سندی بیست سال داشت. [صفحه ۱۳۸] بخشی از سفارشهای امام علیه السلام درباره ی غسل و کفن و قبر خود بود که احکام اسلامی در این زمینه وجود دارد. و بالاخره بخشی از وصیت راجع به مردم بود که رؤس آن دعوت به وقار و آرامش، حفظ زبان، پرهیز از دروغ و تهمت و دشمنی، دوری از تجاوز کار، پرهیز از حسادت و ترک معاصی و... بود. [۸]. امام صادق علیه السلام در آخرین لحظات حیات که مرگ را نزدیک دید دستور داد که تمام خانواده و خویشان نزدیکش بر سر بالینش جمع گردند و پس از آنکه همه آنان در کنار امام علیه السلام حاضر شدند، چشم بگشود و به صورت یکایک آنها نظر افکند و فرمود: «ان شفاعتنا لا- تنال مستخفا بالصلوۃ» این وصیت امام، دلیل آن است که در آیین اسلام نماز جایگاهی مهم دارد طوری که امام در آخرین لحظه های زندگی از میان هزاران مسئله فقط نماز را سفارش می کند و این نیست جز برای اینکه امام صادق علیه السلام هادی امت و پاسدار دین است و نماز از این دیدگاه از اهمیت فراوانی برخوردار می باشد. راز اینکه امام خویشاوندان نزدیکش را به نماز سفارش می کند، آن است که مردم از آنان انتظار ارشاد و راهنمایی دارند، پس تبلیغ و توصیه این فریضه از زبان آنان مؤثرتر است. نکته دوم آنکه نزدیکان امام و منسوبان عترت نپندارند که به علت قرابت و داشتن نسبت با پیامبر صلی الله علیه و آله از شفاعت او و اوصیای گرامی اش بهره مند خواهند بود، اگر چه در عمل به برخی از احکام سهل انگار باشند. [صفحه ۱۳۹] امام صادق علیه السلام بدین وسیله خواستند بیان کنند که خویشاوندی با پیامبر صلی الله علیه و آله اگر توأم با انجام فرائض و تکالیف دینی نباشد، سودی به آنان نخواهد داشت، بلکه این نسبت مسئولیت ایشان را سنگین تر خواهد ساخت. [۹]. ام حمیده مادر امام موسی علیه السلام و همسر امام صادق علیه السلام از این حال امام در شگفت بوده که چگونه امام به هنگام وفات نیز از این فریضه بزرگ غفلت نداشته است و هرگاه این حال امام علیه السلام را به یاد می آورده می گریسته است. از کارهای امام علیه السلام در ساعت رحلتش آن است که دستور دارد برای تمام خویشاوندان نزدیکش صله و تحفه ای فرستاده شود و حتی برای حسن افطس مبلغ هفتاد دینار فرستاد. سالمه کنیز و خدمتکار آن حضرت پرسید: چگونه به مردی که با دشنه و خنجر به شما حمله آورده و قصد قتل شما را داشته، چنین مبلغی را عطا می فرماید؟ امام در پاسخ گفت: مشمول این آیه قرآن نباشم که فرمود: و الذین یصلون ما امر الله به یوصل و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب. و آنان که فرمان خدا را در مورد صله رحم و دلجویی از

خویشاوندان اجرا می کنند و از خدایشان می ترسند و از محاسبه بد فرجام بیمناکند. ای سالمه، خداوند بهشت را بیافرید و بوی آن را بسیار خوش و مطبوع گردانید که از فاصله ای به مسافت دو هزار سال به مشام می رسد، لیکن عاق و [صفحه ۱۴۰] کسی که قطع رحم کرده بوی آن را احساس نمی کند و در نمی یابد. این وصیت امام نیز بیانگر اهمیت صله رحم است و رفتار خود امام علیه السلام هم این گونه بوده که با ارحامش پیوند داشته و حتی با آنان که با او بریده و به قصد کشتنش به طرف او حمله کرده بودند به طریق نیکو رفتار کرد و مبلغی صله فرستاد و به راستی که این خلق و خوی انبیاء و اولیاء است. [۱۰].

روایتی از یاران امام

و عن بعض اصحاب جعفر لصادق قال: «دخلت علی جعفر و موسی بین یدیه و هو یوصیه بهذه الوصیه فکان مما حفظت منها انقال: یا بنی اقبل وصیتی و احفظ مقالتی فانک ان حفظتها و تعیش سعیداً و تمت حمیداً، یا بنی انه من قنع بما قسم الله له اسغنی و من مدعینه الی ما فی ید غیره مات فقیراً و من لم یرض بما قسم الله عزوجل له اتهم الله تعالی فی قضائه و من استصغر زلّه نفسه استعصم زلّه غیره و من استصغر زلّه غیره استعظم زلّه نفسه یا بنی من کشف حجاب غیره انکشف عورات بینه و من سل سیف البغی قتل به و من احتفر لآخیه بئراً سقط فیها و من داخلا لسفهاء حقر و من خالط العلماء و قر و من دخل مداخلا لسوء اتهم، یا بنی قل الحق لک و علیک و یاک و النمیمه فانها تزرع الشحنه فی قلوب الرجال، یا بنی اذا طلبت الجود فعلیک بمعادنه» از بعضی از یاران جعفر صادق علیه السلام روایت شده، می فرمود: روزی رفتم خدمت امام جعفر صادق علیه السلام موسی فرزندش مقابل ایشان نشسته بود، امام پندش می داد، به این نصایح من هم چندین نکات از آن را حفظ کردم، امام صادق علیه السلام می فرمود: فرزندم وصیت و پندم را قبول کن و حرفهای مرا حفظ کن، اگر وصایایم را حفظ کنی حیات شکوفا و پر از سعادت خواهد بود، و [صفحه ۱۴۱] مردنت حمیده و پسندیده، فرزندم هر کسی به قسمت و سهم خدا راضی و قانع باشد همیشه غنی و دارا است و هر کسی چشمش به مال مردم باشد، در حالتی فقیر می میرد، هر کسی راضی به سهم خدا نباشد، خدا را در قضایش متهم نموده، هر کسی ذلت نفسش را کوچک پندارد، اجتناب و دوری را از ذلت دیگران می طلبد، هر کسی ذلت دیگران را کوچک شمارد، ذلت نفس خود را بزرگ پنداشته، پسر هر کسی حجاب اسرار را از دیگران بردارد عورت اهل خود را مکشوف نموده، هر کسی شمشیر تجاوز و ظلم را بر حق و حقوق مردم بکشد، با همین شمشیر کشته می شود، هر کسی چاهی برای برادرش بکند، خود به آن می افتد، هر کسی با سفهاء و نادانان هماهنگ و مخلوط شود، با چشم حقارت به او می نگرند و کسی که با اهل علم و عالمان همنشین شود، متین و با وقار خواهد بود، هر کسی به مکانی سوء برود، مورد تهمت قرار می گیرد، پسر هر حق را برای خودت بگو، پرهیز از شیطنت چون شیطنت بذر کینه و عداوت را در دل مردمان می پاشد، پسر هر گاه عطا و بخشش را از تو طلبیدند، بر تو است رو گشادی و جوانمردی. این وصیت آموزنده سلاله پاک نبوت، که در برگیرنده کلیه جوانب عبادی، اجتماعی حقوقی و سیاسی می باشد و فرزند دلبنش را به آن ملزم نموده، این قطرات پندی که از کلام شیرینش چکیده و در قلب مبارکش شکوفیده، درس اعتماد به نفس و قناعت و فریاد رسی و رضایت به قضا و قدر الهی و تواضع و فروتنی و قداست و ارج نهادن به دیگران و محافظت از اسرار مردم و دفاع از کرامت خود و اجتناب از تعدی و سلطه گری و احترام نهادن به [صفحه ۱۴۲] مسلمین و دوری جستن از نادانی و همراهی با دانایی به انسان آموخته. [۱۱].

جانشینی امام صادق علیه السلام

مفضل بن عمر می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام بودم حضرت اباابراهیم موسی علیه السلام که دوران کودکی را می گذراند، وارد شد امام صادق علیه السلام به من فرمود: وصیت مرا در این باره بپذیر و جریان امامت او را تنها به اصحاب و

دوستان مورد اطمینان خود بگو. معاذ بن کثیر می‌گوید: به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم، از خداوندی که این مقام (امامت) را از جانب پدرت به شما داده، خواستم که این مقام را از جانب شما در حالی که زنده هستید به جانشین شما بدهد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: خداوند این درخواست تو را انجام داده است. گفتم: قربانت گردم جانشین شما چه کسی است؟ آن حضرت به امام کاظم علیه‌السلام - عبد صالح - که خوابیده بود اشاره نمود و ایشان (امام کاظم علیه‌السلام) در آن زمان کودک بود. [۱۲].

پاورقی

[۱] احیاگر تشیع، شبکه امام صادق. [۲] احیاگر تشیع؛ شبکه امام صادق علیه‌السلام. [۳] توحید مفضل، ص ۸، مؤسسه‌ الوفاء بیروت طبعه‌ی دوم، سنه ۱۴۰۴ هجری قمری. [۴] الامام الصادق و المذاهب الاربعه‌ اسد حیدر، ج ۱، ص ۷۰. [۵] قاموس الرجال، ج ۳، ص ۴۱۶. [۶] موسسه جهانی سبطین علیهماالسلام. [۷] آقای محمد مهدی فقیه محمدی جلالی «بحر العلوم» گیلانی در کتاب انوار پراکنده چنین آورده است: مادر حسن افطس ام‌ولد بود و قبل از آنکه وی به دنیا بیاید (در حالی که حامله بوده است) پدرش دار دنیا را وداع گفت، اما حسن کم‌کم رشد کرد تا اینکه جوانی رشید و شجاع شد و با محمد بن عبدالله بن الحسن نفس زکیه قیام نمود و پرچمی سفید در دست داشت و هیچکس مثل او در سپاه نفس زکیه از حیث شجاعت و بی‌باکی پیدا نمی‌شد و وی به سبب طول قامت، رمح آل ابی‌طالب نامیده شد. چون محمد نفس زکیه به شهادت رسید و افراد او منهزم شدند، حسن افطس مخفی گردید و هنگامی که امام جعفر صادق علیه‌السلام به عراق هجرت نمود نزد خلیفه منصور دوانیقی رفت و به او فرمود، آیا می‌خواهی به رسول خدا احسانی کرده باشی؟ منصور گفت بلی یابن رسول الله، امام صادق علیه‌السلام فرمود: از سر تقصیرات حسن افطس در گذر و خلیفه هم به قول خود عمل نمود و حسن از مخفیگاه خود بیرون آمد. اما مسئله سوء قصد حسن درباره‌ی امام صادق علیه‌السلام با کارد و عدم توفیق وی بر قتل امام معلوم نیست که تا چه حد صحیح باشد زیرا درباره‌ی وی قدحی نرسیده است که بر صحت امر دلالت کند و از کنیز امام جعفر صادق علیه‌السلام به نام سالمه روایت شده «هنگامی که امام علیه‌السلام مریض شد و خوف بر اتلاف نفس خود نموده بود فرزند خود امام موسی علیه‌السلام را صدا زد و فرمود: که هفتاد اشرفی و اجناس دیگر به حسن افطس بدهد، سالمه گوید: من نزدیک شدم و گفتم آیا شما به افطس چیزی می‌دهید مگر او نبود که در مسیرتان کمین نمود تا شما را بکشد؟ حضرت فرمود: ای سالمه می‌خواهی من از آن اشخاصی باشم که خدای تعالی فرمود: (و یقطعون ما امر الله به ان یوصل) (یعنی قطع می‌کنند و می‌برند چیزی را که حق تعالی فرمان کرده که به هم پیوسته دارند». [۸] احیاگر تشیع، شبکه امام صادق. [۹] توجه امام علیه‌السلام به فریضه نماز در لحظات آخر عمر مبارکشان اقتدای ایشان به جد بزرگوارش سیدالشهداء علیه‌السلام است که در هنگام ظهر عاشورا در برابر چشمان فرو بسته از خواب غفلت کوفیان نماز را به پا داشت. [۱۰] صفحاتی از زندگی امام علیه‌السلام، شبکه‌ی امام صادق علیه‌السلام. [۱۱] شبکه امام صادق علیه‌السلام. [۱۲] نگاهی بر زندگی دوازده امام، علامه حلی.